

امور تربیتی در گذر زمان

بخش دوم سال‌های ۱۳۸۵ به بعد

سید جواد حسینی

همان‌طور که (در بخش اول) اشاره کردیم در سال 1385 و در مجلس هفتم قانون تشکیلات امور تربیتی مجدداً تصویب و احیا شد و پس از آن در این دوره وظایف و فعالیت‌های جدیدی نیز برای امور تربیتی تعریف شد از جمله:

- تاسیس هیات‌های مذهبی در مدارس

- پرورش و تربیت مداحان در مدارس

- اعزام دانش‌آموزان به مناطق جنگی تحت عنوان راهیان نور

- اعزام دانش‌آموزان به سفر حج و عتبات عالیات این فعالیت‌ها با رویکرد تقویت مبانی اعتقادی و دینی دانش‌آموزان طراحی و به اجرا گذاشته شد اما باید اعتراف کرد که نتوانست آن‌گونه که بایسته و شایسته است، این هدف مهم را محقق سازد علت عمده آن هم به این موضوع برمی‌گردد که نگاه يك بعدی سطحی‌نگر و قالبی مبتنی بر درگیری حواس به جنبه‌های مناسکی و بیرونی دینی آنهم در شکل متراکم آن که به رویکرد اشباع دینی از آن می‌توان یاد کرد به نوعی دلزدگی و کندي روند جریان جامعه‌پذیری درونی دینی در نسل نوجوان را به دنبال داشت و این فعالیت‌ها از اثر بخشی مطلوبی برخوردار نبود.

نکته مهم دیگر اینکه فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی در مدارس بسیار زیاد و شلوغ شد و بسیاری از دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی و نظامی فعالیت‌های خود را در مدارس به اجرا می‌گذارند و این موضوع ضمن آنکه فعالیت‌های متعدد امور تربیتی را سبب شد جریان مدیریت امور تربیتی را تا حدود زیادی از امور تربیتی سلب نمود.

3-5- وظایف و فعالیت‌های امور تربیتی و سند تحول بنیادین در دوره جدید:

در دوره جدید با توجه به شرایط حاکم بر نظام جهانی و نیز جامعه

ایرانی و دگرگونی‌های سریع و عمیق و همه‌جانبه‌ای که در جامعه خصوصاً به دلیل دنیای مجازی و متاورس در کنار دنیای فیزیکال و رئال شکل گرفته است و نیز ویژگی‌های خاص نسل الف و زد باید با تکیه بر آموزه‌های سند تحول بنیادین و با نگاه تلفیقی به مبحث تربیت صرفاً مدیریت امور تربیتی را به تشکیلات امور تربیتی واگذار نمایم و همه اضلاع و اجزاء و ارکان آموزش و پرورش را به شکل تلفیقی در مسیر تربیت به کار گیریم. از کلیشه‌گرایی، اشباع دینی، سطحی‌نگری، تک سبب‌بینی، تقلیل‌گرایی و تفکیک‌گرایی پرهیز کنیم و بپذیریم که خروجی اصلی نظام تعلیم و تربیت مقوله تربیت است و دست یازیدن به مراتبی از حیات طیبه بر اساس سند تحول بنیادین از سه منظر زیر نظام‌های 6 گانه - تعلیم و تربیت تمام ساحتی و چرخش‌های تحول آفرین مورد نظر قرار گیرد.

بنابراین چند نکته مهم در این دوره از فعالیت‌ها امور تربیتی و تشکیلات آن حائز اهمیت است که به اختصار به آن اشاره خواهیم نمود:

1- پذیرش نگاه ترکیبی-تلفیقی به آموزش و پرورش به عنوان یک نگاه اساسی و عام پنداشتن مفهوم تعلیم و تربیت و عدم تفکیک مقوله آموزش از پرورش بر مبنای آموزه‌های سند تحول بنیادین و چرخش‌های تحول آفرین که در این سند مطرح شده است.

2- الزامات و تمهید امکانات لازم برای تحقق آرمان‌های تعلیم و تربیت با تاکید بر تقویت حرفه‌ای و علمی امور تربیتی

3- توسعه مهارت‌های تخصصی حرفه‌ای و تربیتی مربیان امور تربیتی متناسب با شرایط جدید و تحقق اهداف آن

4- اگر براساس آموزه‌های سند تحول بنیادین و نیز تجارب جهانی فکر کنیم محصول اصلی نظام آموزش و پرورش تربیت است.

تمامی نقش‌ها و مسوولیت‌ها در نظام عریض و طویل آموزش و پرورش برای این امر محقق می‌شود کلیدی‌ترین پست به دلیل نقش مدیریت تربیت به امور تربیتی مربوط می‌شود.

لذا دارندگان این پست کلیدی:

الف) باید توسعه حرفه‌ای و مهارت‌های تخصصی حرفه‌ای دانشی نگرشی و تربیتی پیدا نماید.

ب) خود توسعه‌گری مربیان تربیتی بایدهمواره ومستمر محقق شود

و مربیان تربیتی دانش و توانش و بینش و منش خود را مستمرا ارتقا بخشند. بهبود مستمر مهارت‌ها و صلاحیتهای حرفه‌ای را وجهه همت خویش سازند و خود توسعه‌گری را در چهار قلمرو ارتقا بخشند.

- توسعه شخصی

- توسعه شغلی و حرفه‌ای

- توسعه مدیریت

- توسعه مهارت خدمات اجتماعی

و در نهایت باید باور کنیم که مدیریت یکپارچه مربیان تربیت در مدارس توسط امور تربیتی مدیریت شود و آنها قادر باشند همه عوامل مدرسه از معلم و معاونین و کادر و اولیاء دانش‌آموزان را برای تحقق امر تربیت به کار گیرند و مشارکت دهند و در نهایت مربیان امور تربیتی باید مدیریت تربیت را به عهده گیرند نه انجام فعالیت‌های اجرایی امور مربوط به تربیت را.

این نگاه به امور تربیتی تحقق بخش آموزه‌های مهم سند تحول بنیادین است که به عنوان مهم‌ترین چرخش تحول‌آفرین به تحول مدرسه از یک نهاد آموزشی به یک نهاد فرهنگی و تربیتی و اجتماعی تاکید دارد. برای روشن‌تر شدن بحث مروری بر این چرخش‌های تحول‌آفرین خواهیم نمود.

چرخش‌های تحول‌آفرین در سند تحول بنیادین براساس نگاه درست به مفهوم تربیت حاصل می‌شود. مهم‌ترین این چرخش‌ها عبارتند از:

آموزش و پرورش باید تحول از نهادی صرفاً آموزشی به نهادی فرهنگی-تربیتی و اجتماعی و مولد سرمایه اجتماعی مبدل گردد.

از کنترل بیرونی و ایجاد محدودیت به خویشتن‌بانی ارزش‌مداری عقلانی مسوولیت‌پذیری تحول یابد.

از انحصاری انگاری در تربیت به مشارکت‌پذیری ارکان عوامل موثر در تربیت چرخش یابد نگاه تلفیقی به جای نگاه تفکیکی بنشینند. از مدرسه بی‌هویت و فاقد امکانات و فناوری به مدارس با هویت به مدرسه صالح و کانون تربیتی مهم تبدیل گردد.

از تامین صرف کلاس درس به سازماندهی موقعیت‌های یادگیری مبدل شود.

از انحصار یادگیری در کلاس درس به تنوع بخشی تربیتی و یادگیری تغییر یابد.

از نگاه تفکیکی به فضاهای فیزیکی مدارس به نگاه فرآیندی به تربیت و ساخت مجتمع‌های تربیتی چرخش پیدا کند.

از نگاه به معلم به عنوان کارمند اداری به شخصیتی علمی تربیتی تغییر جهت دهد.

از فرهنگ سازمانی بسته (محصور نمودن مربیان در فضای مدرسه) به مشارکت‌جویی علمی و انتقال تجربیات در سطوح مختلف (مدرسه، محلی، ملی و بین‌المللی) تحول یابد.

از برنامه‌های صلب و بسته در تربیت مربیان به برنامه‌های منعطف برای دستیابی به آرمان‌ها مبدل گردد.

از معلم به عنوان مجری تصمیمات برنامه‌های درسی به معلم تصمیم‌ساز در فرآیند برنامه‌ریزی درسی ارتقا یابد.

از معلم به عنوان انتقال‌دهنده دانش به معلم به عنوان مربی اسوه تربیتی سازمان‌دهنده فرصت‌های تربیتی تکامل یابد. از یکسان‌نگری و تولید انبوه به پذیرش تنوع و تکثیر چارچوب نظام معیار اداری فکر کند.

از نگاه تجزیه‌ای و تفکیکی به نگاه یکپارچه‌نگر و تلفیقی به هویت انسانی در تمام ابعاد و ساحت‌ها یعنی

1- اعتقادی - عبادی و اخلاقی

2- اجتماعی- سیاسی

3- زیستی بدنی

4- زیبا شناختی و هنری

5- اقتصادی- حرفه‌ای

6- علمی و فناوری

بیندیشد.

از دانش‌آموزی منفعل در کلاس درس به فردی فعال در محیط تربیتی

تبدیل شود از روش‌های خشک فردی و انعطاف‌پذیر به روش‌های خلاق- فعال و گروهی ارتقا یابد از رقابت‌های فردی و تنش‌زا به رفاقت‌های جمعی و تعالی بخش جهت‌گیری نماید.

از انباشت اطلاعات و حافظه‌محوری به شایستگی‌ها در تمام ساحت‌های تعلیم و تربیت (تمام ساختی) تغییر جهت دهد از برنامه‌ریزی‌های موردی و پراکنده به برنامه‌ریزی‌های راهبردی و آینده‌نگر بیندیشید. از حاکمیت نگاه جزیره‌ای در حوزه‌های اجرایی به تاکید بر فرآیندها و پیامدها براساس نظام معیاراسلامی تحول یابد.

از طراحی مدرسه توسط مهندسين فني به طراحی تیمی با لحاظ نمودن ابعاد مدرسه صالح تغییر شکل دهد از سازگاری با شرایط محیطی به هویت‌یابی مقاومت در بر شرایط نامساعد و تغییر آنها تحول یابد از مدیریت اداری و کنترل به راهبردی تربیتی و مبتنی بر نظام معیار اسلامی از تمرکز گرایی به مشارکت‌جویی و مسوولیت‌پذیری تغییر رویه دهد.

در پایان اگر فردای بهتر برای امور تربیتی می‌خواهیم باید با نگاه ویژه نکات ذیل را برای ارتقا امور تربیتی مورد توجه قرار دهیم:

- 1- اجرای کامل قانون احیای امور تربیتی مخصوصاً گزینش آموزش نگهداشت نیروی انسانی مومن متخصص و با انگیزه
- 2- تامین منابع مورد نیاز فعالیت‌های پرورشی به همراه توسعه و بازسازی، نوسازی و شاداب‌سازی فضاهای پرورشی
- 3- ایجاد پیوند مستمر حوزه‌های فناوری و فضای مجازی با فعالیت‌های حوزه پرورشی
- 4- مدرسه محور کردن فعالیت‌های پرورشی با احیای سرانه پرورش مدارس.
- 5- جدی گرفتن تشکلهای دانش‌آموزی و مشارکت دادن نظام‌مند آنها در فعالیت‌های مدرسه‌ای
- 6- توزیع متوازن فعالیت‌های پرورشی در تمامی ساحت‌های تربیتی با بازنگری برنامه‌های موجود
- 7- حذف برخی از فعالیت‌های کم‌بازده و تعریف فعالیت‌های نوین و جدید پرورشی با تاکید بر استفاده از هنر و امکانات فضای مجازی

8- تغییر نقش مربی تربیتی در مدرسه از مجری فعالیتها به راهبر تربیتی

9- حذف گزارشگیریهای صوری و تدوین و اجرای نظام ارزشیابی حضوری

10- توسعه مشارکت خانوادهها در برنامهها و فعالیتها پرورشی

م: ۱۴۰۲ ۱۵